

وظایف کارگران پیشرو

مصاحبه زیر با یکی از اعضای هیات مسوولین دفترهای کارگری سوسیالیستی، رفیق م. رازی صورت گرفته است.

س- به اعتقاد شما "تشکل های مستقل کارگری" چگونه نهادهایی هستند و موضع پیشگام انقلابی در قبال آنان چه باید باشد؟

ج - طبقه کارگر، برای مقابله با تهاجم روزمره دولت سرمایه داری به ضرورت ایجاد "تشکل های کارگری" پی برده و فعالیت های خود علیه دولت سرمایه داری را در دفاع از منافع خود در درون چنین تشکل هایی سازمان می دهد (برای مثال در دوره اعتلای مبارزات عموماً در سندیکاها و شوراهای کارگری- تشکلات توده ای- و در دوره افول مبارزات در کمیته های عمل مخفی و محافل کارگری و غیره). و همواره یکی از خواست های اولیه کارگران پیشرو از بدو پیدایش چنین تشکل هایی، "استقلال" آنان از سازمان های مدافع سرمایه داران و یا خرده بورژوا (حتی خرده بورژوازی رادیکال که نهایتاً در خدمت بورژوازی قرار می گیرد) است. واضح است که چنین نهادهایی می باید توسط نمایندگان واقعی کارگران ساخته شوند. نمایندگان دولت سرمایه داری و یا حزب های خرده بورژوا (حتی اگر خود کارگر نیز باشند) نه تنها هیچ نفعی در تشکیل چنین تشکل هایی ندارند. که نهایتاً مبادرت به تخریب آنان نیز می کنند. در واقع آنچه نهایتاً تشکل های "مستقل" کارگری را از

تبدیل شدن به ابزاری وابسته به بورژوازی و خرده بورژوازی نجات می دهد، همانا مبارزات پیشروی کارگری متشکل در يك حزب انقلابیست.

سازمان ها و تشکیلاتی که خود را مدافع طبقه کارگر می دانند، می باید از تشکل های مستقل کارگری دفاع کرده و در جهت تقویت و استحکام آنان از هیچ اقدامی دریغ نکنند. سازمان هایی که به نحوی از انحاء میادرت به تخریب و یا تضعیف تشکل های مستقل کارگری کرده و یا آنان را به رسمیت نشناخته و یا کوشش در به انحصار در آوردن آنان می کنند، الفبای تجربه های جنبش کارگری در قرن اخیر را درك نکرده اند.

س- مفهوم حزب انقلابی کارگری از نظر شما چیست و چگونه بوجود می آید؟

ج- حزب انقلابی کارگری، تشکیلات سیاسی پیشروی کارگری و انقلابی است که برای آماده کردن وضعیت به منظور تسخیر قدرت توسط طبقه کارگر ایجاد می شود. پیشروی کارگری متشکل از اقلیتی از کارگران است که فراسوی موقعیت سیاسی و اجتماعی خاص (افول یا اعتلای جنبش کارگری) در صف مقدم مبارزه علیه دولت سرمایه داری قرار می گیرد. حزب انقلابی کارگری تا دوره پیشا انقلابی و موقعیت تسخیر قدرت و سرنگونی دولت سرمایه داری به حزب "توده ای" تبدیل نمی شود. "توده" کارگر و زحمتکش صرفاً در دوره اعتلای جنبش و وضعیت انقلابی به حزب انقلابی خود روی می آورند. در جامعه بورژوائی، "دمکراسی" و حق انتخاب عملاً برای اقلیتی (بورژوازی) در نظر گرفته می شود. اکثریت کارگران و زحمتکشان بدرجات متفاوت- و بخصوص در مرحله پیشا انقلابی- از ایدئولوژی و عقاید و تبلیغات طبقه متخاصم برش کرده و به لزوم سازماندهی متشکل سیاسی خود علیه سرمایه داری پی می برند. اما پیشروی کارگری همیشه در صف مقدم مبارزات کارگری قرار دارد.

پیشروی کارگری، در عین حال برای ایجاد حزب انقلابی، به چکیده تجارت تنوریک نظری و عملی جنبش کارگری در سطح بین المللی و تجارب مبارزات طبقاتی در سطح ملی نیاز دارد. پیشروی کارگری برای صیقل دادن و متمرکز کردن تجارب عملی خود نیاز به سلاح تنوریک دارد. همانقدر که "تنوری" بدون "عمل" خالی از محتواست، بهترین تجارب عملی نیز بدون تنوری انقلابی نهایتاً بی تأثیر است. پیشروی کارگری برای دخالت های سیاسی مؤثر خود- منکی بر تجارب نظری جنبش کارگری- نیاز به یک برنامه انقلابی، اهداف و اصول، چشم انداز روشن از جنبش کارگری و یک تشکیلات دمکراتیک- یعنی یک سازمان سیاسی انقلابی- دارد. پیشروی کارگری نیاز به انقلابیونی دارد که چنین تکالیف اساسی را انجام داده و در اختیار جنبش کارگری قرار دهند. آنان در دوره های اولیه نیاز به ایجاد پیوند با پیشگام انقلابی- برای انجام این امر دارند. بدیهی است که تنوری انقلابی "بخودی خود" و یا "به مرور زمان" به پیشروی کارگری (حتی فعال ترین و برجسته ترین مبارزین کارگری) انتقال نمی یابد. انتقال تجارب نظری جنبش کارگری به پیشروی کارگری یک عمل آگاهانه و مشخص است که توسط انقلابیونی که به شکل حرفه ای کار سیاسی خود را کسب این تجارب قرار داده اند. صورت می گیرد. اما، این انتقال باید گام به گام در تجربه روزمره جنبش کارگری توسط پیشروی کارگری آزمایش شود. هر "روشنفکر انقلابی" الزاماً به کلیه مسائل جنبش کارگری دست نمی یابد. مضافاً بر این، با شکل گیری یک سازمان انقلابی، از میان خود کارگران پیشرو نظریه پردازان انقلابی ظاهر می شوند. اما، این روند یک عمل برنامه ریزی شده و آگاهانه است که در درون یک تشکیلات انقلابی کارگری صورت می گیرد و نه در "تشکل های مستقل کارگری".

پیوند نظری، تشکیلاتی و سیاسی پیشگام انقلابی و پیشروی کارگری (این دو، در مراحل اولیه مکمل یکدیگرند)، وضعیت را برای ایجاد نطفه های اولیه یک حزب انقلابی بوجود می آورد- حزبی که اکثر اعضا و رهبران آن از پیشروی کارگری

تشکیل شده است. چنین سازمانی که مسلح به تجارب عملی روزمره (توسط پیشروی کارگری) و حامل چکیده غنی ترین نظرات تنوریک، سیاسی و تشکیلاتی در قرن اخیر (توسط پیشگام انقلابی) می باشد، می تواند در وضعیت اعتلای انقلابی تبدیل به یک حزب انقلابی کارگری شده و سرنگونی دولت سرمایه داری و ایجاد دولت کارگری و ساختمان سوسیالیزم را سازمان دهد.

س- به نظر شما، آیا حزب انقلابی کارگری می تواند از درون تشکل های مستقل کارگری بوجود آید؟

ج- همانطور که اشاره شد، حزب انقلابی کارگری صرفاً به مثابه یک حزب پیشتاز کارگر- عده ای از برجسته ترن و انقلابی ترین عناصر جنبش کارگری، می تواند نقش انقلابی خود را ایفا کند. به علت ناموزونی آگاهی طبقاتی در درون طبقه کارگر صرفاً بخش کوچکی از کارگران به ضرورت تشکیل حزب انقلابی پی می برند. علاوه بر آن، تشکیل یک حزب انقلابی با مفهوم دولت سرمایه داری گره خورده است. برای سرنگونی کامل دولت سرمایه داری (حکومت، کلیه ابزار اختناق و سرکوب و کلیه ابزار تبلیغات و غیره)، می باید ابزاری از لحاظ تشکیلاتی محکم، قوی، یکپارچه و منضبط و متعهد، و از نظر سیاسی روشن و دقیق بوجود آورد. این تشکیلات طبعاً نمی تواند یک تشکیلات "توده ای" و بی در و پیکر و عمومی باشد. زیرا که در نخستین گام های سازماندهی، توسط ابزار سرکوب دولت سرمایه داری ضربه می خورد. اعضای چنین سازمانی نمی توانند صرفاً به دور یک فعالیت صنفی/ سیاسی عمومی- بدون توافق برنامه ای- دولت را سرنگون کنند. برای سرنگونی دولت سرمایه داری، باید آگاهانه برنامه ریزی شود.

بدیهی است که تشکل های مستقل کارگری مانند یک اتحادیه کارگری قادر به ایفای چنین نقشی نیستند. اصولاً یک سندیکای کارگری صرفاً در برگیرنده اقلیت ناهمگونی

از کارگران است. سندیکاهاى کارگرى صرفاً ابزاری برای متشکل کردن کارگران حول مسائل خاص بوده و هرگز قادر به ایجاد يك حزب انقلابی کارگرى سراسرى نیستند. در بهترین حالت در تاریخ جنبش کارگرى حزب هاى نظیر "حزب کارگر" بریتانیا از درون جنبش اتحادیه هاى کارگرى پدید مى آید. که اینگونه حزب ها همه بسرعت تبدیل به جناح چپ بورژوازی مى شوند و هیچ نقش انقلابی نمى توانند ایفا کنند (برغم شرکت فعال کارگران و اخذ آراء کارگرى). صرفاً جامعه موجود سرمایه داری را "اصلاح" مى کنند!

شوراهای کارگرى، البته نهادهای کاملاً متفاوت اند. شوراهای کارگرى که در دوره اعتلای جنبش کارگرى ظاهر مى شوند، منعکس کننده اراده انقلابی اکثر کارگران و زحمتکشان اند. اما حتى از درون شوراهای کارگرى نیز حزب انقلابی کارگرى بوجود نمى آید. نطفه هاى اولیه يك حزب انقلابی سال ها قبل از دوره پیشا انقلابی ریخته مى شود. درست برعکس، دخالت متشکل و با برنامه يك حزب انقلابی کارگرى و نهایتاً پذیرش برنامه عمل آن حزب در شوراهای کارگرى است که منجر به پیروزی نهایی مى شود. پیروزی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و نقش بلشویک ها در شوراهای کارگرى (و دهقانى و سربازى) روسیه این نکته را اثبات مى کند.

س- اما، تشکل های مستقل کارگرى در ایران، فعلاً سندیکاها و شوراهای نیستند. کارگران پیشرو، در دوره اخیر، در کمیته های مخفی و محافل کارگرى خود را متشکل و اعتصاب ها را سازمان داده اند. آیا به نظر شما حزب انقلابی کارگرى آتى ایران نمى تواند از درون این شکل از تشکل های مستقل کارگرى ظاهر گردد؟

ج- در این امر تردیدی نیست که نقش محافل کارگرى در دوره گذشته، در مبارزات کارگرى تعیین کننده بوده و به مراتب متشکل تر و سازمان یافته تر از هر سازمان سنتی چپی عمل کرده اند. این محافل که براساس نیاز عینی مبارزات کارگرى در

جهت ایجاد تشکیلات و اتحاد کارگران مبارز و پیشرو بوجود آمده است، البته با سایر اشکال تشکل های مستقل کارگری متفاوت هستند. این محافل نه تنها خود و سایر کارگران را در مناطق و کارخانه ها و کارگاه ها و محلات سازمان داده اند که در جهت تدوین برنامه انقلابی و مسایل نظری جنبش کارگری نیز گام های مثبتی برداشته اند. اما علیرغم کلیه این اقدامات، هنوز پس از قریب به يك دهه، يك برنامه منسجم سراسری ارائه نشده است و تدارك اولیه برای ایجاد يك حزب انقلابی بوجود نیامده است. متأسفانه هنوز برنامه های ارائه داده شده (تا آنجا که بدست ما رسیده است) کامل و روشن نیستند. برنامه ها عموماً با تاثیر از تجارب عملی خود تدوین شده (و هنوز از برنامه های سازمان های سنتی گسست کامل نکرده اند).

تجربه مبارزات پیگیر عملی و سازماندهی پیشروی کارگری از یکسو و عدم ارائه يك برنامه انقلابی که بدون آن بتوان کلیه و یا حتی بخشی از مبارزین کارگر (چه داخل و چه خارج) را متشکل کرد، از سوی دیگر، نیاز پیوند این محافل با پیشگام انقلابی را بیشتر از گذشته نشان می دهد. کميته های عمل کارگری و محافل کارگری- همانند سایر تشکل های مستقل کارگری "بخودی خود" و یا "به مرور زمان" تبدیل به يك حزب انقلابی کارگری نمی توانند شوند. محافل کارگری (همانند سایر تشکل های مستقل کارگری) به دلیل انجام يك سلسله فعالیت های مشخص عینی- توسط پیشروی کارگری- بوجود می آیند. این تشکل ها بدون دخالت آگاهانه پیشروی کارگری در پیوند با پیشگام انقلابی متحول به نهادهایی با ماهیت و هدف های مشخص دیگری نمی توانند بشوند.

س- پس به اعتقاد شما، وظیفه اصلی پیشروی کارگری چه می تواند باشد؟

ج- یکی از وظایف اصلی و کلیدی پیشروی کارگری، در وضعیت کنونی- ضمن تقویت تشکل های مستقل خود- ایجاد هسته های کارگری سوسیالیستی است. هسته های

کارگری سوسیالیستی متشکل از مبارزینی است که حول يك برنامه انقلابی (برنامه عمل کارگری)، اهداف و اصول مشخص و چشم انداز روشن از وضعیت جنبش کارگری به توافق می رسند. لازمه تشکیل چنین هسته هایی، يك ساختار تشکیلاتی دمکراتیک با تأکید برحق گرایش است (هیچ نظر مخالفی نباید "طرد" و یا سرکوب شود). از آنجائیکه هسته های کارگری سوسیالیستی بر محور توافق يك برنامه و ساختار تشکیلاتی شکل گرفته سابقه فعالین می تواند کارگری و یا غیرکاری باشد. نمی توان این چنین هسته هایی را صرفاً محدود به اعضای از سابقه کارگری کرد و ورود سایر سوسیالیست های انقلابی را "ممنوع" اعلام نمود و یا در مقابل الحاق آنان سدهای تشکیلاتی ایجاد کرد. معیار عضوگیری توافق برنامه ای و تشکیلاتی است و نه ترکیب اجتماعی داوطلبان. کلیه اعضای شرکت کننده در عمل مبارزاتی آزمایش شده و جایگاه خود را در درون هسته ها خواهند یافت. در درون يك سازمان سیاسی دمکراتیک افراد "صاحب امتیاز" وجود ندارند.

هسته های کارگری سوسیالیستی برای دخالت در جنبش کارگری نیاز به ابزار خود دارند. نشریه کارگری سوسیالیستی یکی از ابزار مهم چنین دخالت هایی است. هسته های مختلف کارگری سوسیالیستی- پس از دوره ای از فعالیت متشکل در حوزه های مختلف بخصوص در تشکل های مستقل کارگری- متحدان خود را در عمل مبارزاتی می یابند (شرکت در اتحاد عمل ها در کارخانه ها، انتشار نشریه مشترک کارگری و غیره این روند را می تواند تسریع کند). نهایتاً اتحاد چنین هسته هایی می تواند نطفه های اولیه يك گروه انقلابی را پی ریزی کند.

س- کلیه سازمان های سیاسی سنتی هم نکاتی شبیه به این مطالب میگویند برای مثال، آنان هم میگویند تشکل های کارگری خوب هستند بشرط اینکه برنامه انقلابی آنان را بپذیرند. شما هم ضمناً همین حرف را میزنید. پس تفاوت شما با آنان چیست؟

ج- اولاً، سازمان های سنتی چنین نمی گویند. آنان از طرف طبقه کارگر ایران (و عمدتاً در خارج) سازمان های "کمونیست" و "کارگری" را نقداً ساخته اند و به سایرین می گویند که به آنان بپیوندند. به اعتقاد ما، چنین روشی از کار بخصوص پس از تجارب انقلاب اخیر ایران و بدون ارزیابی کارنامه سیاسی این سازمان ها عملی است، غیراصولی. بویژه آنکه حزب آتی کارگری ایران باید همراه با پیشگام کارگری ساخته شود. گروه هایی که بدون دخالت سیاسی در جنبش کارگری در دهه گذشته و بدون ارتباط با پیشروی کارگری "حزب" می سازند، نهایتاً از جنبش کارگری منزوی می مانند.

ثانیاً، آنان در انقلاب اخیر ایران نشان دادند که صرفاً در حرف با تشکل های مستقل کارگری توافق دارند. و در عمل، یا تشکل های مشابه تحت کنترل خود را ساختند و یا مبادرت به از بین بردن آن تشکل ها کردند (برخورد گروه های سنتی به شوراهای کارگری و یا سازمان مستقل زنان در انقلاب اخیر ایران، شیوه درک آنان را به هرگونه تشکل مستقل توده ها نشان می دهد). این درست است که آنان صحبت از ساختن "حزب" و "برنامه انقلابی" می کنند، اما منظورشان "حزب" خودشان و "برنامه" خودشان است. نه تنها "حزب" و "برنامه" آنان توسط پیشروی کارگری آزمایش نشده، که اکثر کارگران پیشرو دیگر کوچکترین اعتمادی به چنین سازمان هایی ندارند.

ثالثاً، آنان نه برنامه انقلابی دارند و نه تشکیلاتی دمکراتیک. کماکان اکثر این سازمان ها اعتقاد به "انقلاب دمکراتیک" (نوعی انقلاب بورژوائی) داشته و هنوز تحمل حتی شنیدن نظرات مخالف در سازمان های خود را ندارند (انشعاب های متعدد در این سازمان ها همه ناشی از اختلاف های سیاسی نبوده است). و با روش های غیرمسئولانه با مخالفان سیاسی خود رفتار می کنند.

در مقابل، پیشنهاد ما این است که حزب انقلابی کارگری آتی ایران باید همراه با پیشروی کارگری ساخته شود (از طریق پیوند پیشروی کارگری با پیشگام انقلابی).

هسته های کارگری سوسیالیستی، "حزب" و یا حتی "گروه" سیاسی نیستند- گروه انقلابی زمانی تحقق می یابد که برنامه انقلابی هسته های کارگری سوسیالیستی توسط حداقل بخشی از کارگران پیشرو- در حداقل بخشی از صنایع ایران- در عمل آزمایش و پذیرفته شده باشد. بنابراین، در اینجا صرفاً در مورد لزوم عینی تشکیل نطفه های اولیه یک حزب انقلابی صحبت به میان آمد و فراخوانی برای پیوستن به یک گروه خاص صادر نشد.

س- اکنون توضیح بدهید که به نظر شما وظایف پیشروی کارگری در خارج چه باید باشد؟

ج- در ابتدا باید تاکید کرد که وظیفه اصلی یک کارگر انقلابی در وضعیت کنونی (بحران عمیق سیاسی در طیف چپ و عدم وجود تشکیلاتی یک سازمان سراسری انقلابی کارگری)، حول یک محور مرکزی قرار می گیرد: تدارک برای ایجاد نطفه های اولیه یک حزب انقلابی در راستای آمادگی سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و زحمتکشان برای سرنگونی رژیم و استقرار یک دولت کارگری در ایران. این استراتژی اصلی هر مبارزی (چه در ایران و چه در خارج) است- تدارک اولیه چنین کاری از هم اکنون حتی در خارج می تواند آغاز شود. اما، در خارج اضافه بر این تدارک، یک سلسله فعالیت های دیگر نیز بر عهده پیشروی کارگری و انقلابی قرار می گیرد. دفاع از مبارزات و مبارزین کارگری در ایران و پناهندگان سیاسی زحمتکش- با اتکاء به متحدان زحمتکشان ایران (اتحادیه های کارگری، حزب های چپگرای انقلابی خارجی و غیره)- یکی دیگر از وظایف انقلابیون در خارج از کشور است. زیرا که انزوای رژیم سرمایه داری ایران در سطح بین المللی و دفاع پیگیر از مبارزین جنبش کارگری در ایران تناسب قوا را می تواند- طی دوره ای- به نفع جنبش کارگری ایران تغییر دهد.

برای انجام چنین کاری، پیشروی کارگری همراه با سایر افراد و نبره‌هایی که خود را مدافع جنبش کارگری می‌دانند- فراسوی اختلافات سیاسی، برنامه‌ای و تشکیلاتی- بر محور يك، یا يك سلسله فعالیت‌های مشخص در چارچوب يك "اتحاد عمل" می‌تواند خود را سازمان دهد. واضح است که برخوردهای فرقه‌گرایانه و انحصار‌گرایانه، به چنین اتحاد عمل‌هایی لطمه می‌زنند. در خارج از کشور، دور از طبقه کارگر و مبارزات روزمره کارگری ایران- نمی‌توان "تشکل‌های مستقل کارگری" ساخت. لازمه "محافل کارگری"، "تجمعات کارگری" و غیره، اولاً حضور فعال کارگران پیشگام را طلب می‌کند و ثانیاً مبارزه و سازماندهی عملی روزمره حول مسایل مشخص کارگری. در خارج از کشور نه پیشروی کارگری بطور اخص کلمه دیگر "کارگر"- درگیر فعالیت سیاسی در کارخانه‌ها و یا محیط کارگری- هست و نه طبقه کارگر ایران و مبارزات مستقیم آن وجود دارند. البته واضح است که پناهندگانی که از سابقه کارگری آمده‌اند، حول مسایل خاص کارگری، می‌توانند که هر تشکل و یا تجمعی که مایل باشند ایجاد کنند. اما این تجمعات دیگر بطور اخص "تشکلات مستقل کارگری" نیستند. به اعتقاد ما، اینها صرفاً "اتحاد عمل"‌هایی هستند بر محور فعالیت‌های دفاعی خاص در مورد کارگران ایران- که از عده‌ای پناهنده با سابقه کارگری تشکیل یافته‌اند ("انجمن کارگران تبعیدی" نمونه‌ای از این گونه تجمع‌هاست). برای تحقق موفقیت‌آمیز مورد دفاعی، تشکیل اینگونه اتحاد عمل‌ها ضروری و لازم است. مضافاً بر این، کارگران پیشرونی که هنوز به لزوم تشکیل هسته‌های کارگری سوسیالیستی پی‌نبرده و یا مردد هستند، قادر خواهند بود در چنین تشکلات دمکراتیکی به فعالیت‌های ضد رژیم خود در خارج از کشور ادامه دهند.

متشکریم.